

Quranic Conceptualization in Interpretive Methodology of Ayatollah Khamenei

Mojtaba Rostamikia *

Doctoral student of the theoretical foundations of Islam

Abstract

The central claim of cognitive linguistics is that meaning is the same as conceptualization. Conceptualization refers to information processing. In conceptualization, we understand one conceptual domain in terms of another. Many factors influence conceptualization in the field of cognitive linguistics, including the four general techniques of attention/focus, judgment and comparison, perspective/positioning, and blending. Ayatollah Khamenei makes extensive use of this approach in his interpretive methodology. This paper seeks to extract the various factors of conceptualization through an analytical method based on his published works, particularly his books. In attention and focus, he has utilized the dynamic aspect of the semantic extension of disbelief and polytheism in the socio-political realm by emphasizing the central focus on monotheism and the rejection of tyranny and power-mongering. On the other hand, his judgment and comparison lend substance to his interpretive theories through categorization, metaphors, and contexts. Categorization under the headings of "Imams of Disbelief" and "Imams of Religion," "Nation and Government," and "Fear and Decline" are among the comparative aspects of his method. His masterpiece of conceptualization is his use of structural metaphors (path, strength, clarity, seasonal, boat, magnet, trade, sieve, knot), existential metaphors (imparting motion, giving birth to faith, openness, educator), and directional metaphors (peak, depth). This in itself has raised many perspectives, positions, and dominant viewpoints, as well as countless indicators, and has brought many internal matters out of subjectivity and into objectivity. This has in itself become a form of structural molding and a dynamic force-generating flow in his methodology. This paper has endeavored to extract Ayatollah Khamenei's general cognitive theory by forming a network of causal relationships of conceptualization from his perspective.

Keywords: Methodology, Quranic Leadership Interpretation, Quranic Conceptualization, Cognitive Linguistics, General Outline of Islamic Thought in the Quran.

* Email: kia.mojtaba1365@gmail.com (Corresponding Author)

مفهوم‌سازی‌های قرآنی در روش‌شناسی تفسیری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| مجتبی رستمی کیا* | دانش‌آموخته دکتری مبانی نظری اسلام

چکیده

ادعای اصلی زبان‌شناسی شناختی بر این است که معنا، همان مفهوم‌سازی است. مراد از مفهوم‌سازی، پردازش اطلاعات می‌باشد. در مفهوم‌سازی یک قلمرو مفهومی را برحسب قلمرو مفهومی دیگر می‌فهمیم. عوامل زیادی بر یک مفهوم‌سازی در حوزه زبان‌شناسی شناختی اثرگذار است که از آن جمله می‌توان به چهار تکنیک کلی توجه/چشم‌گیری، داوری و مقایسه، چشم‌انداز/ موقعیت‌مندی و ترکیب اشاره کرد. آیت‌الله خامنه‌ای در روش تفسیری خود از این روش بسیار استفاده کرده‌اند. این مقاله می‌کوشد تا با روش تحلیلی و مبتنی بر آثار منتشره از ایشان و به‌طور خاص کتاب‌های منتشره، عوامل مختلف مفهوم‌سازی را استخراج کند. در توجه و چشم‌گیری با تکیه بر نگاه کانونی بر توحید و نفی طاغوت و قدرت‌گرایی، از حمل و توسعه معنایی کفر و شرک در قلمرو اجتماعی سیاسی به وجه پویایی استفاده کرده است. از سوی دیگر داوری و مقایسه خود توسط مقوله‌بندی‌ها، استعاره‌ها و زمینه‌ها، نظریات تفسیری را قوام می‌بخشد. مقوله‌بندی در ذیل «ائمه کفر» و «ائمه دین»، «ملت و حکومت» و «ترس و انحطاط» از جمله موارد مقایسه‌ای روش ایشان است. شاهرکار مفهوم‌سازی وی، استفاده از استعاره‌های ساختاری (راه، استحکام، وضوح، موسمی، قایق، آهن‌ربا، تجارت، غربال، گره) استعاره وجودی (حرکت‌بخشی، زایش ایمان، گشودگی، مربی) استعاره جهتی (قله، عمق) می‌باشد. این مسأله خود چشم‌اندازها و موقعیت‌مندی و دیدگاه مسلط و همچنین شاخص‌های بی‌شماری را مطرح کرد و امور درونی بسیاری را از ذهنیت خارج نموده و به امر بیرونی و عینی تبدیل کرده است. این موضوع خود از نوعی قالب‌گیری ساختاری و جریان‌سازی

پویانمایی در روش‌شناسی ایشان تبدیل شده است. این مقاله کوشیده تا با تشکیل شبکه روابط علی مفهوم‌سازی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، نظریه عام‌شناختی ایشان را استخراج کند. واژگان کلیدی: روش‌شناسی، تفسیر قرآن رهبری، مفهوم‌سازی قرآنی، زبان‌شناسی شناختی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. مقدمه

زبان‌شناسان شناختی از عوامل مؤثر در مفهوم‌سازی بحث کرده‌اند. این عوامل در واقع فرایندهای شناختی مختلفی در ذهن هستند که به صورت‌های خاصی در زبان انعکاس می‌یابند. مهم‌ترین این فرایندها را می‌توان با دسته‌بندی کرافت و کروزه دسته‌بندی نمود. در این فرایند، چهارگونه عامل اصلی وجود دارد که مابقی تکنیک‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های مفهوم‌سازی در آن مورد استفاده قرار می‌گیرند. در ذیل سعی نمودیم این جهت ورود به بحث و برای تنقیح بیش‌تر مسأله، اقسام این مؤلفه‌ها را ذکر کنیم:

۱. توجه و چشم‌گیری
 - ۱/۱. گزینش (ترسیم‌نما/کنایه‌آوری)
 - ۱/۲. قلمرو (قلمرو حمل، قلمرو جست‌وجو، دسترس‌پذیری)
 - ۱/۳. تعدیل سنج‌های (کمی و کیفی)
 - ۱/۴. پویایی (حرکت خیالی، عکس‌برداری اجمالی/پیاپی)
۲. داوری و مقایسه
 - ۲/۱. مقوله‌بندی
 - ۲/۲. استعاره (ساختاری، جهتی، وجودی)
 - ۲/۳. زمینه و شکل
۳. چشم‌انداز/ موقعیت‌مندی
 - ۳/۱. دیدگاه (موضع مسلط، جهت‌یابی)
 - ۳/۲. شاخص‌ها (مکانی زمانی، معرفتی، همدلی)
 - ۳/۳. عینیت و ذهنیت
۴. ترکیب/گشتالت
 - ۴/۱. قالب‌گیری ساختاری (فردیت‌بخشی، جایگاه شناختی، درجه‌بندی)
 - ۴/۲. پویاشناسی نیرو
 - ۴/۳. ربطیت

در این مقاله کوشش خواهیم کرد به این پرسش پاسخ دهیم که آیا عناصر مختلف مفهوم‌سازی شناختی در مفهوم‌سازی‌های قرآنی و روش‌شناسی تفسیری آیت‌الله‌خامنه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. و در صورت استفاده، این مفاهیم چه برساخت و صورت‌بندی متفاوتی را در آثار تفسیری ایشان پیدا کرده‌اند؟

در این مقاله از دو اثر ویژه معظّم‌له، یعنی «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» و «تفسیر سوره برائت» به صورت خاص استفاده شده است. همچنین دیگر آثار و بیانات ایشان که در آن استنادهای قرآنی و روایی مورد توجه بوده نیز، مورد استفاده شده است. این بررسی کمک خواهد کرد که در ضمن شناخت نظام فکری تفسیری آیت‌الله‌خامنه‌ای، ظرفیت‌های جدید شناختی این تفکر، به عرصه تفسیر و برداشت متنی از منابع اجتهادی شیعه افزوده شود و راه را برای روش‌های تفسیری نوین از متن قرآن کریم و روایات هموار کند.

۲. پیشینه‌شناسی

در زمینه مفهوم‌سازی‌های قرآنی از دیدگاه آیت‌الله‌خامنه‌ای، اثر مشابهی یافت نشد و از این رو این تحقیق در نوع خود بدون پیشینه است. اما از سوی دیگر می‌توان به کتاب‌هایی اشاره کرد که این مقاله از جهاتی وام‌دار کار آن‌ها می‌باشد.

۱-۲. «معناشناسی شناختی قرآن کریم» و «موافقت معنایی» دو اثر علیرضا قائمی‌نیا، در این آثار کوشش شده است در مورد معناشناسی شناختی قرآن کریم بحث مستوفایی صورت گیرد، اما در خصوص تطبیق این موارد بر آراء تفسیری آیت‌الله‌خامنه‌ای کاری صورت نگرفته است. به طور اساسی این دو اثر متن‌محور می‌باشد و بر روی نظریات مفسران بنا نشده‌اند.

۲-۲. بررسی طرح‌واره‌های تصویری حرف فی در قرآن با تکیه بر نظریه جانسون در معناشناسی شناختی، مریم توکل‌نیا و ولی‌الله حسومی، در این اثر طرح‌واره جهتی، مهارشدگی، حرکتی، نیرو، همسانی و موجودیت و... بررسی شده است و محققان تلاش کرده‌اند که از ریخت مفاهیم انتزاعی در قالب تصاویری پیش‌چشمان مخاطب قرآن، قابل‌فهم و قابل‌لمس شده این مفاهیم بحث کنند، اما به‌رروی ضمن عدم جامعیت این اثر، به تطبیق این عناوین بر خاص مفسرانی همچون آیت‌الله‌خامنه‌ای پرداخته نشده است.

۳-۲. جستاری در معناشناسی شناختی و کارایی آن در خوانش قرآن کریم، محمدباقر سعیدی‌روشن، در این اثر مؤلف به صورت انتقادی، ضمن بازخوانی عناصر اصلی نظریه معناشناسی شناختی، به بررسی آن‌ها به‌ویژه از منظر فلسفه علمی می‌پردازد و سپس توان و ظرفیت این نظریه را

در بازنمایی فرهنگ قرآن مجید و عوالم معنایی آن می‌سنجد، اما در تطبیق آن بر مصادیق و آراء آیت‌الله خامنه‌ای کوششی صورت نگرفته است.

۲-۴. بررسی طرح‌واره‌های تصویری جانسون در آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در چارچوب معناشناسی شناختی، عالیه کرد زعفرانلو و فائقه ابراهیم‌پورنیک: در این اثر هم محققان سعی کرده‌اند مفاهیم انتزاعی در مورد دوزخ و بهشت را در طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی معنا کند، این اثر هم در ضمن عدم جامعیت، این موارد را بر روی روش‌شناسی تطبیقی آثار قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای پیاده نکرده است.

۳. عوامل مفهوم‌سازی در روش‌شناسی تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

همان‌طور که در بیان مسأله گذشت، عوامل مؤثر در مفهوم‌سازی، خود به چهار دسته کلی توجه، داوری، چشم‌انداز و ترکیب تقسیم می‌شوند؛ در ذیل کوشش خواهیم کرد تا به صورت، مختصر عناصر کلی مفهوم‌سازی در معناشناسی شناختی قرآن کریم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی کنیم:

۳-۱. توجه و چشم‌گیری در مفهوم‌سازی‌های قرآنی

زبان از این نظر یک دستگاه پیچیده توزیع توجه است که نشانگر توجه گوینده به پدیده‌های مختلف می‌باشد. از این منظر برخی امور در کانون توجه و برخی دیگر در حاشیه توجه قرار می‌گیرند و این امر در ساختار جملات و مفهوم‌سازی‌های قرآنی خود را نشان می‌دهد. توجه و چشم‌گیری خود به دو تکنیک «ترسیم‌نما» و «کنایه‌آوری» تقسیم می‌شود. در ترسیم‌نماها با استفاده از تغییر در تعبيرات زبانی، نمای مفهومی جدیدی پدید می‌آید. برای مثال تغییر «نوشتن» به «نویسنده»، نمای جدید را خلق خواهد کرد. در کنایه‌آوری نیز یک چیز از یک قلمرو با اشاره به چیز دیگر از همان قلمرو برجسته می‌شود. از این رو در این منظر کنایه صرفاً ابزار زمانی نیست، بلکه به تفکر و دستگاه مفهومی بشر ساختار خاصی می‌دهد. بنابراین کنایه، سرشت اشاری دارد و از رابطه «مجاورت» استفاده کرده و بر سیاق خاصی مبتنی خواهد بود (Ungerer, 1996: 129). در کنایه نکاتی همچون، داشتن سرشت اشاری، ابتناء بر روابط فیزیکی و علّی، مبتنی بر سیاق بودن و عدم تغییر قلمرو وجود دارد که در کتاب‌های زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است (Vyvyan, 2006: 311-312).

۳-۱-۱. گزینش ترسیم‌نماها و کنایه‌آوری

این توانایی را داریم که به بخش‌هایی از تجاربمان که با هدف مورد نظر ما مرتبند توجه کنیم و بخش‌ها یا جنبه‌هایی از آن‌ها را که غیر مرتبط هستند، نادیده بگیریم. در کل آیت‌الله خامنه‌ای به فهم دایره‌ای و محدوده‌ای معنا معتقدند. از این رو در مباحث خود همواره بر محدوده و دایره معنا تأکید

کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۵). بنابراین در آثار تفسیری خود نیز موارد بسیار زیادی از تفکر کانونی در مطالعه قرآن کریم را نام برده‌اند که از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نگاه کانونی به توحید و نفی طاغوت
- توجه کانونی به مفهوم شرک، توحید و صورت‌بندی آن در کلیه مسائل تفسیری (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۱۹)

- توجه به قدرت‌گرایی: وی در ضمن تفسیر آیه ۱۲ سوره مائده، مردم جهان را قدرت‌گرا می‌داند. این رویکرد و توجه به قدرت‌گرایی در مطالعات قرآن کریم، سبب جداسازی دوگانه‌های مبتنی بر قدرت حقیقی از قدرت‌های پوشالی در قرآن شده است. از این رو اهمیت حاکمیت و امام به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی در معرض توجه وی قرار دارد. وی در این زمینه می‌گوید: چطور ممکن است سران کفر برگردند؟ آیا چنین چیزی امکان دارد؟ آری مردم جهان همیشه قدرت‌گرا هستند. هر جا قدرت و تحکیم موقعیت وجود دارد. نفوس ضعیفه به طرف قدرت جذب می‌شوند. مانند کاه‌هایی که اطراف کهربا جمع می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

۳-۱-۲. قلمرو حمل، جست‌وجو و دسترس‌پذیری

ما چیزهایی را از میان عنصرهای یک موقعیت برمی‌گزینیم. تعبیرهای زبانی هم نشان می‌دهند که ما کدام عنصرها را از موقعیت موردنظر برگزیده‌ایم. چیزی که برگزیده‌ایم در «قلمرو توجه» ما قرار گرفته است.

- قلمرو حمل: ارتباط نزدیک و خویشاوندی میان مفاهیم است. در کل می‌توان حمل عبارتی همچون کفر، شرک و گسترش و توسعه معنای این دو واژه در آثار تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، قابل‌رؤیت می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۹).

- قلمرو جست‌وجو: وقتی عبارت‌هایی را که مکان اشیاء را نشان می‌دهد، با هم ترکیب می‌کنیم، این قلمرو در آثار و روش‌شناسی تفسیری رهبری، با توجه به قلمروهای اجتماعی، سیاسی و مکان‌های معنوی آن دو اتفاق می‌افتد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۵-۱۲۶).

۳-۱-۳. پویایی حرکت خیالی و عکس‌برداری پیاپی و اجمالی

ممکن است توجه یک شخص در طول یک صحنه حرکت کند. این مسأله می‌تواند به صورت عکس‌برداری اجمالی و یا پیاپی (همانند فیلم) اتفاق بیفتد. در ذیل کوشیده‌ایم تا در پرتو برخی مثال‌ها از مفهوم‌سازی قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای، این پویایی را توضیح دهیم:

- در توضیح چگونگی امتحان طی این آزمون در مسیر دنیایی نحوه از حرکت خیالی در قالب استعاره «راه» دیده می‌شود. در اینکه امتحان را تحمل سختی برای رسیدن به هدف فرض می‌کنند. اگر بخواهید از جایی به جای دیگر برسید، باید راه را طی کنید و همین طی مسیر و تحمل و مشکلات آن، امتحان است که با تحمل آن به مقصد می‌رسید (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۷)

- نوعی توجه پویا و عکس‌برداری پیاپی در عبارت «لَعَلَّمْ يَنْتَهُونَ» قابل رؤیت است. «وَإِنْ نَكُثُوا إِيمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا إِيمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» که نوعی از استمرار و برگشت به مسیر همانند فیلم را به مخاطب منتقل می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

۳-۲. داوری و مقایسه

داوری و مقایسه خود در سه تکنیک جزئی‌تر با عناوین: مقوله‌بندی، استعاره، ترتیب شکل و زمینه به کار می‌رود.

۳-۲-۱. مقوله‌بندی

ما معمولاً یک تجربه یا موقعیت را با تجارب یا موقعیت‌های پیشین مقایسه می‌کنیم و آن را در قالب مفاهیمی به‌عنوان اصول اولیه معنا دسته‌بندی می‌نماییم. این کار را مقوله‌بندی می‌گویند؛ مقوله‌بندی خود یکی از تکنیک‌ها و عوامل مفهوم‌سازی در روش‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای محسوب می‌شود؛ در ذیل کوشیده‌ایم برخی از این مقوله‌بندی‌ها که اغلب بر فضای دوگانه‌سازی‌ها استوارند را توضیح دهیم:

- مقوله‌بندی میان دوگانه توحید و شرک و طبقه‌بندی همه مفاهیم قرآنی ذیل این دو مفهوم و استخراج مفهوم «مبارزه» از دل این دوگانه‌سازی که در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی مورد توجه رهبری بوده است.

- دوگانه‌سازی بین ائمه کفر و ائمه دین (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۶-۱۲۷)

- استخراج حکومت و ملت از دل مقایسه میان ائمه کفر و ائمه دین (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۷)

- مقوله‌بندی قانون: از آنجاکه یکی از زمینه‌های ایجاد جرم در جامعه، «اجرا نشدن قانون»

است، اسلام ضمن ارائه راهکارهای پیشگیرانه و ایجاد فضای سالم برای زندگی اجتماعی بشر، برای اجرای قوانین و حدود و در فرض تخلف از قانون تأکید فراوان دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۳۴-۱۳۵).

- مقوله‌بندی ترس از دشمن در ذیل مفهوم «انحطاط» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۳۹)

۳-۲-۲. استعاره مفهومی

در استعاره یک قلمرو مفهومی را براساس قلمرو مفهومی دیگر بیان می‌کنیم. سرشت استعاره فهم و تجربه یک چیزی در قالب چیزی دیگر است. به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت که استعاره از شباهت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی (Croft, 2004: 196-197) میان دو حوزه مبدأ و مقصد پیدا می‌شود (Lakoff, 1980: 5). پس از این شباهت، روابط حاکم بر این مفاهیم در مورد مشابه به‌کار می‌رود (Grady, 2007: 188). در کل از سه استعاره مفهومی می‌توانیم گفت‌وگو کنیم:

۳-۲-۱. استعاره ساختاری

یک مفهوم براساس مفهوم دیگر ساختار می‌یابد. به صورت کلی می‌توان استعاره‌های ساختاری فراوانی را در مفهوم‌سازی‌های قرآنی از نظر رهبری مشاهده کرد، اما در ذیل کوشیده‌ایم پُر تکرارترین این استعاره‌ها را بررسی کنیم:

- **استعاره راه/مسیر:** نوعی از مفهوم‌سازی گسترده در آثار آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد که مبتنی بر استعاره راه، مسیر و تصور نوعی حرکت بنا شده است. پیمودن این راه است که افراد را به نجات و آگاهی از معارف الهیه خواهد رساند و نوعی از گذار و تشکیکی بودن در مقولات دینی را با خود به‌همراه می‌آورد. در ذیل کوشیده‌ایم برخی از انواع این استعاره‌ها را مورد بررسی قرار دهیم:
- **مسیر انتقال معارف:** انتقال دادن آموزه‌های الهی به باور قلبی، یک رسالت سنگین برای حق‌جویان و مهم‌ترین دستاورد اندیشه اسلامی است و این گذار با تار و پود معارف دینی پیوند خورده و غیرقابل انفکاک می‌باشد، تا جایی که می‌توان آن را از نشانه‌های علم راستین و عالم حقیقی شمرد. تکیه بر مفهوم انتقال و گذار نوعی از استعاره ساختاری، راه را بازنمایی می‌کند.
- **مسیر هدایت:** استعاره راه و مسیر در آثار تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای به وفور دیده می‌شود، وی در ضمن آیه ۴۶ سوره نور «لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» می‌گوید: خدای متعال هر کسی را که خودش بخواهد هدایت شود با مشیت و اراده ربوبی هدایت می‌کند؛ چراکه در مسیر هدایت، جبری وجود ندارد و همین اراده آزاد ما تحت مشیت و خواسته خداست» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

○ **راکد و خشک بودن احساس قلبی:** استعاره راکد - حرکت در کلام آیت‌الله خامنه‌ای برای جداسازی احساس قلبی راکد و رسیدن به رتبه ایمان معتبر و راستین استفاده شده است. وی در این زمینه می‌گوید:

ایمان مجرد، ایمان قلبی خشک و خالی، ایمانی که در جوارح و اعضای مؤمن شمع‌اش مشهود نیست. این ایمان از نظر اسلام ارزشمند نمی‌باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۹۷).

○ **سرایت ایمان:** ابلیس که از عابدان و افراد باسابقه در مسیر بندگی است و پیش از خلقت آدم و فرزندان او بر زمین، سالیان طولانی خدای متعال را با وجود معرفت، عبادت می‌کرد. در بزنگاه انتخاب میان خواسته خود و اراده الهی، نتوانست ایمان خود را نمایان سازد و به دیگر ابعاد وجودی خود غیر از قلب، سرایت دهد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۹۷).

سرایت ایمان در آثار تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای به نوعی امتداد ایمان در صحنه زندگی اجتماعی نیز محسوب می‌شود و ایشان معتقدند که اندیشه برپایی نظامات مبتنی بر ایمان و باور توحیدی در عرصه جامعه و ساختار منسجم ایمانی از علائم این انتقال و سرایت ایمانی است. وی در این زمینه می‌گوید: سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی هیچ بروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد؛ بلکه هر کسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال این‌ها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. دشمنان همین را می‌خواهند. آن دینی که با آن مخالف‌اند؛ آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اسلام را قدرتمند می‌کند، با آن مخالفند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

○ به یک معنا می‌توان استفاده از عبارتهایی مانند مبدأ، مقصد، پایان، اول، آخر را نوعی لوازم مفهومی استعاره راه دانست. حتی عبارتی همچون «به رستگاری رسیدن» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۱۵) و «رسیدن به منزل مقصود بندگی» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۵) نیز حاکی از نوعی پیمایش در مسیر است.

○ از سوی دیگر بر ساخت مفاهیمی همچون «رشد» و «پیشرفت» و تکیه آن‌ها بر نوعی استعاره راه در آن‌ها از جمله ویژگی‌های مفهوم‌سازی‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای محسوب می‌شود. برای مثال عنصر «ایمان» و «عقلانیت» هر دو در مسیر رشد و فزونی هم‌نشین یکدیگر بوده و تقابل و تضاد کارکردی در این دو حقیقت دیده نمی‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

از این رو در معنای اجتماعی اگر عقلانیت راسخ در عرصه زندگی ظهور یابد و خردورزی سنت یک اجتماع شد، انسان مؤمن در پذیرش دعوت دینی و آموزه‌های وحیانی «گام» برمی‌دارد. استعاره گام برداشتن هم حاکی از نوعی استعاره راه است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۹۰). به لازمه استعاری این معنا می‌توان عبارتهایی همچون «پای غلط گذاشتن» و «پای کج گذاشتن» را نیز افزود (خامنه‌ای، بیانات: ۹۸/۱۱/۱۶).

○ از سوی دیگر، استعاره «راه ایمان» نیز در ذیل این روایت که فرمود: «بالایمان یستدلّ علی الصّالحات» توسط آیت‌الله خامنه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد که با از راه ایمان به عمل صالح راه می‌یابد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۸/۲۰). از این روست که بدون ایمان، هر حرکت و پویایی ناپایدار

و بی‌فرجام است و هر پوینده‌ای دل‌مرده، بی‌نشاط و سرانجام، خموش و راکد و بی‌حرکت می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۵۵).

○ به‌طورکلی می‌توان تلقی ایشان از مفهوم «هدایت» را نوعی استعاره مبتنی بر «راه» دانست، آنجاکه در ذیل آیه ۹ سوره یونس می‌گوید: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ...» کسانی که ایمان آوردند و به تعهد متناسب با آن ایمان عمل کردند، خدای سبحان به‌واسطه آن ایمان، هدایت‌شان می‌کند. یعنی هدف و راه را برای آن‌ها روشن می‌نماید. هرگاه انسان به‌دنبال این ایمان حرکت کرد، راه خود به خود خویش را نشان می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۴۰).

○ از سوی دیگر، با توجه به معانی تقابلی ایمان همچون کفر، شرک و فسق استعاره، «راه» در برخی از لوازم معنایی این موارد دیده می‌شود: آنجایی که فسق به‌معنای خروج دیده می‌شود و معمولاً حتی زمانی که خرما از پوست هم بیرون آمده باشد، از این تعبیر استفاده می‌گردد. فاسق براساس آیه ۸ سوره براءت: «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَقْبَلُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةٌ يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَسِقُونَ» کسی است که از ایمان بیرون آمده و مراد آیه از آن «بیرون آمدن از تعهدات و میثاق‌ها» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۱).

○ در مورد برگشت کفار نیز کلمه «بیتنهون» (توبه، ۱۲) استفاده شده است. «برگردند» نوعی از پُررنگ کردن استعاره راه است و به این حکم اشاره شده است که هدف از جهاد این است که با ائمه کفر مقاتله کنید، شاید برگردند. یعنی اسلام خواهان انتقام‌گیری نیست، بلکه می‌خواهد مشرکان به راه برگردند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

○ مفاهیمی همچون «جهاد» نیز در قرآن کریم و بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای به‌صورتی مقوله‌بندی شده‌اند که همواره «جهاد در راه خدا» به‌عنوان یک ترکیب هم‌نشین در مفهوم‌سازی‌های قرآنی وی به‌کار برده می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۳۳).

- استحکام ایمان راستین: با پای‌بندی به لوازم عملی ایمان و با تدبیر و دقت نظر معرفتی در حقایق دین، ایمان راستین می‌شود و با عنوان «راستین بودن»، از ایمان بی‌ثمر متمایز می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۶۳-۶۵). کسی که از جهت معرفتی، ایمان را «مستحکم» می‌کند، از ایمان راستین برخوردار است. استفاده از واژه «استحکام»، از استعاره‌های ساختاری را پیش می‌کشد. به‌منظور استناد به این محکم‌سازی، نوعی حقارت و کوچکی که استعاره جهتی محسوب می‌گردد، در آیات مورد استناد ایشان دیده می‌شود. وی با استفاده از آیات ۲ الی ۴ سوره انفال می‌گوید:

«مؤمنان کسانی هستند که با ترس ناشی از معرفت در پیشگاه عظمت الهی احساس حقارت و کوچکی می‌کنند و خدا را در همه شئون خود مسلط و مهیمن مشاهده می‌نمایند. در این مقام با سامان یافتن رکن معرفتی ایمان و شناخت صفات خدا، نوع نگرش خود را با حق متعال تصحیح می‌کنند و به حرکت و تلاش بندگی خود ضمانت اجرایی می‌دهند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۹۶).

در جای دیگری ایشان شناخت را لازم دانسته و ساختن بنای ایمان قلبی به امر مجهول را غیرممکن دانسته‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که می‌توان علم و معرفت هر چند اجمالی و ناقص را از مبادی شکل‌گیری گرایش قلبی و ایجاد باور در دل به حساب آورد و بین ایمان علم‌تأمین‌گرا و درجات و استحکام ایمان را وابسته مراتب معرفت دانست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۴/۱۴).
از این رو آیت‌الله خامنه‌ای در ذیل روش‌شناسی تفسیری خود می‌گوید:

باید گفت «ایمان پای عمل و حرکت انسان است، یعنی هر چیزی که انسان آن را حقیقت می‌پندارد، اگر به آن ایمان آورد، پایه عمل می‌شود. در واقع نیروی پیش‌برنده و انگیزه تحول تلقی می‌شود و همانند سوخت و نیروی موجود در موتور محرک عمل می‌کند. بنابراین «انسان تا به چیزی دل سپرده و گرویده نباشد، در راه آن حرکت نمی‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۸/۲۰).

استفاده از واژه «رسوخ» در ایمان هم که برای زندگی‌های بی‌هدف و بی‌پهلو اتفاق می‌افتد، خود به نوعی از لوازم استعاره استحکام محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۸۷).

وی در توصیف چرخش برخی انسان‌ها می‌گوید: گاهی می‌بینید بعضی‌ها صدوهشتاد درجه تحول پیدا کرده‌اند؛ از یک مؤمن مخلص صادق پُرجوش و خروش‌شعاردهنده، به یک معاند، معارض، دشمن، لجوج، عنود و بهانه‌گیر تبدیل شده‌اند! این ایمان‌ها مستقر نیست؛ مستودع و زوال‌پذیر و بدون تکیه به یک استدلال محکم است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۸/۲۰).

به کارگیری «ثبات» و «حفظ» برای نگاهداشت ایمان، از جمله مواردی است که از لوازم معنایی این استعاره محسوب می‌شود که در کلام رهبری دیده می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۷/۲۶؛ و خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۷/۲۹).

استعاره وضوح: بر این اساس ایمان نوعی باور و پذیرش به وضوح و قبول کردن است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۸۴). به هر میزان که این میزان وضوح بیشتر باشد، ایمان مستحکم‌تر خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۸۷-۹۰). در مقابل وضوح، به کاربردن صفت «پوشیدگی» در آثار آیت‌الله خامنه‌ای دیده می‌شود. برای مثال در بحث ایمان می‌گوید:

گاهی انسان حقیقت را می‌فهمد، اما دل خود را تسلیم این حقیقت نمی‌کند و در مقابل آن می‌ایستد. از این رو می‌بینید در مقابل علم، جهل و شک است؛ اما در مقابل ایمان، جهل نمی‌آورند.

در مقابل ایمان کفر می‌آورند، یعنی پوشاندن. انسان گاهی حقیقتی را قبول دارد، اما آن را می‌پوشاند و پنهان می‌کند، نقطه مقابل پوشاندن ایمان است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۸/۲۰).

در ذیل آیات ۱۷۴ و ۱۷۵ سوره نساء «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (۱۷۴) فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»، نور مبین بسان یک استعاره مفهومی عمل می‌کند و قرآن کریم دلیلی روش و قاطع برای همه است. نور مبین قرآن تنها برای کسانی است که اعتصام به قرآن داشته باشند و به تعهدات خود در مقابل خدا عمل نمایند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۴۷).

نوع دیگری از استعاره، وضوح در مباحث تفسیری آیت‌الله‌خامنه‌ای با استعاره‌هایی همچون «پرده/حجاب»، «زندانی» و «تاریکی» پوشش داده شده است، وی در این زمینه می‌گوید:

ارمغان دیگر ایمان برای اهل ایمان این است که پرده‌های جهل، غرور و هر آنچه که گوهر بینش و خرد آدمی را در حجابی ظلمانی می‌پیچد و نیروی ادراک را از او می‌گیرد، زائل می‌کند. پندارهای باطل غرور و خرافات انسان را در زندانی از تاریکی‌ها محبوس می‌نماید و او را از نور فهم صحیح دور نگه می‌دارد. یکی از ارکان خوشبختی انسان این است که از این ظلمت‌ها نجات یابد و به فروغ حقیقت راه پیدا کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۴۷). از این‌روست که خداوند در آیت‌الکرسی به این مطلب اشاره کرده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطُّغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.» استعاره «پوشیدگی» در مورد کفر نیز به‌کار رفته است و کفر اساساً به‌معنای پوشیدن است. کفاره گناه نیز به چیزی اشاره می‌کند که اثر گناه را می‌پوشاند. وی در این زمینه می‌گوید:

«کافر کسی است که حقیقت و نعمت خدا و دریافت صحیح خدایی را می‌پوشاند. همچنین کسی که نعمت‌های خدا را گرفته و آن‌ها را ضایع کرده و در جایش مصرف نمی‌کند، او هم کافر است. بنابراین عمل نکردن بر طبق مقتضای نعمت‌های خدا و مسئولیت‌های الهی کفر است و دایره کفر وسیع» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

- استعاره «ایمان موسمی»: این استعاره با تشبیه میان بادهای رونده و ایمان، از نوعی ایمان

که سودجویانه است، پرده برمی‌دارد. سیره این افراد به‌گونه‌ای است که ایمان و عمل را تنها در مواقعی دوست دارند که به سود شخصی آن‌هاست و نسبت به باور خود تعهد همیشگی و همگانی ندارند. قرآن کریم ایمان موسمی و موقتی را ایمان به‌شمار نمی‌آورد. برای مثال در مورد رفتار برخی یهودیان که از حفاظت و همراهی برادران خود سخن می‌گفتند، ما در شرایطی که منفعت شخصی

در میان بود، همین برادران را در جنگ‌ها می‌کشتند و با اسارت و فروختن آن‌ها به ثروت می‌رسید.
قرآن می‌فرماید:

«أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۱۷).

- استعاره قایق: در قرآن سه واژه هم‌نشین وجود دارد: «سکینه» به معنای آرامش در مواقع حساس، «امنیت» به معنای هراسناک نبودن و «اطمینان» به معنای آرامش دل در مقابل اضطراب و تشویش است. در توصیف اطمینان رهبری از استعاره «قایق» استفاده کرده است. اطمینان مانند قایقی است که در یک اقیانوس متلاطم و پُر خروش در حرکت می‌باشد و قرار خود را از دست داده، امید به رسیدن به ساحل نجات برای او کم گشته و امنیت او در خطر است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۵۸).

- استعاره آهن‌ریا: این اثرات در جذب ایمان شرکت گرفته است. نوید ایمان راستین در این شرایط جاذبه‌های کوچک و بی‌ارزش را از کار می‌اندازد و مانند آهن‌ربایی قوی، مؤمن را به سمت مقصود متعالی با اطمینان جذب می‌کند. نه اینکه بی‌تحرك باشد و پیشرفت نداشته باشد، بلکه بر اقر سنگینی بار ایمان آرام و مطمئن به سودی مقصود انسانیت و خلقت حرکت کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۵۸-۱۶۲). آیه ۲۸ سوره رعد نیز این معنا را به ذهن متبادر می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ قوی‌ترین جاذبه‌ها در یاد خداست و دیگر جذابیت‌ها را محو می‌کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۶۵). این استعاره با واژه‌هایی همچون «قطب» نیز در مفهوم‌سازی قرآنی وی با عنوان «قطب‌های مسلمین» به‌کار رفته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

- استعاره تجارت: در ذیل آیه ۹ سوره بقره، «اسْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» تعبیر بهای اندک هم در ابتدای اسلام در جنگ احد و هم در دوره‌های بعدی از استعاره‌های پُرکاربرد قرآنی است. در مورد اهل کتاب نیز این تعبیر به‌کار رفته است که اهل کتاب با اینکه حقایق را می‌شناختند، چنین کردند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۱).

- استعاره گره: در ذیل آیه ۱۲ سوره بقره «وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» در این آیه عهد الهی به مثابه نخ تابیده شده و گره تعبیر شده است. از این‌رو معانی ضمنی و التزامی همچون عهد و الزام را به‌همراه دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

- استعاره غربال / کوره: امتحان الهی در بیان و مفهوم‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای با الفاظی همانند غربال و کوره امتحان مورد استفاده قرار می‌گیرد که در هر دو نوعی از پختگی و رشد در گردش

را به ذهن مخاطب می‌آورند. وی در ذیل آیه ۲ سوره عنکبوت می‌گوید: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ این آیه بیانگر آن است که تا وقتی که پروردگار عالم، مردم را نیازماید و در کوره امتحان نریزد و پاک‌بازان راه دین و مؤمنان راستین به خدا و راه انبیاء از دیگر مدعیان پوچ‌گرا جدا نکند، کوره امتحان همچنان مشتعل و غربال امتحان در گردش است و همچنان آزمون‌های الهی پیش می‌آید. این مفاد مشترک تمام آیاتی می‌باشد که درباره امتحان و آزمایش آمده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۶).

۳-۲-۲-۲. استعاره جهتی

بیش‌تر این نوع استعاره با تعیین جهت مکانی یعنی بالا و پائین، جلو و عقب و روی و زیر سروکار دارد. ا. **قله دانستن ایمان:** ارتباط قلبی و علاقه درونی با مهارف که به نحوی انس با حقایق و حیانی است، انسان را از دامنه آگاهی به قله ایمان و هدف خلقت‌اش می‌رساند. مراتب قرب الهی را برای او به ارمغان می‌آورد و فاصله بین علم و عمل را کاهش می‌دهد. در این عبارت نوعی از استعاره جهتی مبتنی بر علو و بالاتر بودن ایمان نسبت به آگاهی دیده می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۳۷).
ب. **عمق نداشتن ایمان:** مفهوم‌پردازی آیت‌الله خامنه‌ای از ایمان، بسان نوعی اقیانوس است. از این رو وی می‌گوید:

«سعی کنید در مسائل تعمق کنید، وقتی عمق‌یابی کردید، این ایمان مستقر با هیچ نیرویی از شما جدا نخواهد شد. مشکل این‌هایی که می‌بینید یک روز تندتر از همه تندهایند و یک روز ۱۸۰ درجه به این طرف می‌غلطند، عمق نداشتن آن ایمان است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۳/۳).

۳-۲-۲-۳. استعاره وجودی

به استعاره‌ای گفته می‌شود که در آن حوادث، فعالیت‌ها، احساسات و اندیشه‌ها به‌عنوان هویات و جواهر در نظر گرفته می‌شوند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۵۴). معمولاً برای برخی پدیدارها در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نوعی شخصیت‌بخشی و جان‌بخشی صورت گرفته است. از جمله این جان‌بخشی‌ها، جان‌بخشی به مفهوم «ایمان» و «توحید» در کلام ایشان می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۶۱). بنابراین مفاهیمی همچون «دل سپردن»، «سرسپردن» و «دل دادن» در کلام ایشان نسبت به این دو مفهوم به‌کار رفته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۴/۱۴).

- **حرکت‌بخشی ایمان:** ایمان نتیجه‌بخش و حرکت‌آفرین که انگیزه عمیق و ماندگار به‌وجود می‌آورد و مانع از تزلزل می‌شود. ایمان به خدا، ایمان به مردم، ایمان به راه و ایمان به موفقیت حتمی پایان کار؛ این ایمان‌ها در دل مردم آن‌ها را به حرکت، به اندیشیدن به پیش رفتن وادار می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۱/۲ و خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۵/۷).

آیت‌الله خامنه‌ای مؤیدات قرآنی این بحث را در ذیل آیات ۱۸ الی ۲۰ سوره اسراء مطرح کرده است. ایشان در این زمینه مباحث گوناگونی دارند، ایشان در خطبه‌های نماز جمعه با استناد به این دو آیه می‌گویند: به دنبال ایمان همراه با مقاومت پیروزی است. مراد ما از ایمان، ایمان دینی فقط نیست. ایمان به هر اصلی، البته اگر ایمان دینی باشد، آن وقت خدای متعال وعده کرده که همه قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومت قرار خواهد گرفت. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ» این مال کسانی است که دنیا را می‌خواهد؛ نیت‌شان دنیایی است، اما اراده دارند، می‌خواهند، خدا هم می‌دهد و کسی هم که اراده دین دارد، همین جور؛ «كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ» این سنت الهی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۷/۲۱).

- زایش ایمان: در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، ایمان آنچنان با عمل متعهدانه عجین می‌شود که تعبیر ایشان از این نوع ایمان «متعهدانه» و «زاینده» می‌باشد. این ایمان است که منجر به عمل می‌شود. وی در آیات ابتدایی سوره مؤمنون این موارد را اشاره کرده است. در تعبیر دیگری، از ایمان به عنوان «ریشه» عمل نامبرده شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۸/۲۰). در جای دیگر از استعاره «آبیاری» و «رویش» استفاده شده است. وی در این زمینه می‌گوید:

«پایه دین اگرچه عقلانیت، فلسفه و استدلال است، اما هیچ مبنای عقلانی، فلسفی و حکمی‌ای بدون آبیاری شدن از عاطفه و ایمان قلبی امکان ندارد که رویش پیدا کند و ریشه بدواند و در تاریخ بماند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۴/۱۴).

در جای دیگری ایشان می‌گویند: ایمان راستین نحوه‌ای مخصوص در قبول و پذیرش یک باور است که منجر به حُسن تسلیم انسان در برابر آنچه ادراک کرده است می‌شود. اعضا و جوارح آدمی با آن ایمان همراه می‌گردد و تسلیم باور خود شده و عمل از آن زایش می‌یابد. یعنی مراتب عالی این تسلیم قلبی در عمل ظاهر می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۸/۲۰).

به‌کارگیری واژه تسلیم و زایش خود دو نوع متفاوت از استعاره‌های وجودی در بیان آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر آیات است. ایشان در ذیل تفسیر آیات ۶۰ و ۶۱ سوره یس با تأکید بر رابطه بر ارتباط بین عمل و باور می‌گویند:

«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يٰبَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۰) وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۱) ...» از همین جهت در تعالیم دینی ما پیوند وثیقی میان ایمان و عمل برقرار شده است، به‌طوری‌که باور بدون التزام عملی، ایمان زاینده را سامان نمی‌دهد. ایمانی که مانند سرچشمه فیاض، عمل می‌زاید و همراه با تعهد باری را بر دوش مؤمن می‌گذارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۹۸).

- استعاره‌گشودگی قفس: از مسائل مهم آن است که اگر انسان خواهان پیروزی فکرش و غلبه بر دشمن و اسارت و ذلت او باشد و بخواهد عقده‌های درونی‌اش گشوده شود، باید تمایل به انتقام داشته باشد. از دست دادن این تمایلات، خود نوعی بیماری است که باید به فکر شفای آن بود. آیه ۱۵ سوره براءت سعی کرده است این مطلب را به صورت عمیق و در قالب استعاره‌ای بیان کند: «وَ يُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ» و خشم و کینه‌ای را که در قفسه درون و دل‌شان بوده برمی‌دارد و عقده‌های آن را می‌گشاید (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۵). بررسی ویژگی‌های معرفت‌شناسی و هستی‌شناختی این استعاره، خود می‌تواند محل گفت‌وگو قرار گیرد و بسیاری از احکام را از یک قلمرو به قلمرو دیگری منتقل کند.

- مربی بودن امتحان: از جمله مسائلی که باید در آن اندیشید، شناخت امتحان و حتمی بودن آن و جایگاه‌اش در آفرینش است، باید دانست که امتحان الهی، شبیه امتحان معلم از شاگرد نیست که بخواهد بداند او خوب درس خوانده یا خیر، بلکه امتحان خداوند مانند ورزش دادن یک مربی برای ورزیدگی ورزشکار است. اگر یک مربی بخواهد برای کوهنوردی، ورزشکارانی تربیت کند، باید برای صعود به قله، مدت زیادی آنان را در منگنه آزمایش سخت و تکرین قرار دهد. در این مدت شناسایی قابلیت، امری قهری است، ولی مقصود و منظور شناسایی نیست، بلکه مربی می‌خواهد آمادگی و توانایی صعود به قله و ورزیدگی در ورزشکار پدید آید (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۷).

۳-۲-۳. شکل و زمینه

تمایز شکل و زمینه در روان‌شناسی گشتالت مطرح شد و تألمی آن را در زبان‌شناسی شناختی وارد کرد. آن‌ها کشف نمودند که طرح‌های هندسی همیشه به صورت شکل‌هایی بر روی یک زمینه ادراک می‌شوند. ما وقتی یک شیء را می‌بینیم در زمینه اشیاء دیگر آن را درک می‌کنیم. شیء موردنظر را در این زمینه برجسته‌تر و روشن‌تر می‌بینیم و دیگر اشیاء به مثابه زمینه شکل لحاظ می‌شوند. به‌طورکلی می‌توان خصوصیات شکل و زمینه در معناشناسی شناختی را به صورت زیر بیان کرد:

زمینه	شکل
موقعیت معلوم	موقعیت نامعلوم
بزرگ‌تر	کوچک‌تر
ثابت‌تر	تغییر پذیرتر

ساده تر از نظر ساختاری	پیچیده تر از نظر ساختاری
برجسته تر	پس زمینه ای تر
متأخر در آگاهی	متقدم تر در آگاهی

در کل این استفاده از شکل و زمینه را می‌توان در پرتو مفاهیمی همچون «ثابت و متغیر» در آثار محققان علوم اسلامی سده گذشته مشاهده کرد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز از این مسأله مستثنا نیست و در ذیل این تکنیک، مفهوم‌سازی‌های بی‌شماری را انجام داده است که از جمله واضح‌ترین این شکل‌ها می‌توان به شکل‌بندی «مبارزه» بر زمینه «توحید» اشاره کرد که در بسیاری از آثار ایشان دیده می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۹۸-۱۰۰).

۳-۳. چشم‌انداز و موقعیت‌مندی

چشم‌انداز یکی از مهم‌ترین عملیات تعبیری در معناشناسی شناختی است؛ در توصیفات مکانی، چشم‌انداز اهمیت پیدا می‌کند. چشم‌انداز البته ممکن است به جایگاه مکانی شخص وابسته باشد که در این صورت در روابط مکانی تأثیر می‌گذارد و ممکن است به باورها، اعتقادات و معارف او مبتنی باشد. گاهی زبان‌شناسان شناختی از مفهوم فلسفی «موقعیت‌مندی» به جای چشم‌انداز استفاده می‌کنند که مفهومی بسیار عام است و جایگاه مکانی و زمانی و نیز بافت فرهنگی و معرفتی را در بر می‌گیرد که شخص در آن قرار دارد (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۷۱).

۳-۳-۱. دیدگاه

چینش خاص پس‌زمینه و پیش‌زمینه را بر یک صحنه تحمیل می‌کند که در آثار رهبری نیز دیده می‌شود. امتحان الهی و رسیدن به هدف، همان‌طور که در برخی مطالب این مقاله نیز آمد، در مفهوم‌سازی‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای نقش به‌سزایی دارد. ترسیم قله کمال انسانیت، نوعی از چشم‌انداز مکانی را ترسیم می‌کند که حاوی نوعی بلندنگری در امر ایمان است. وی در این زمینه می‌گوید:

«همچنان که رسیدن به آن قله‌های بزرگ و راه دشوار، نیازمند این تجربه‌ها و آزمون‌هاست، رسیدن به قله کمال انسانیت نیز که هدف و غایت دین می‌باشد، به گذراندن این امتحان‌ها بستگی دارد. بدون امتحان، قابلیت رسیدن به قله دین پدید نمی‌آید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۷).

۳-۳-۲. شاخص‌ها

به عناصر زبانی گفته می‌شود که موقعیت‌مندی گوینده را نشان می‌دهد. ضمائر انعکاسی یا نوعی بیان مجدد اسامی که به ضمائر ارجاع دارند، از جمله شاخص‌سازی‌های تعبیری است. به عقیده

آیت‌الله خامنه‌ای در آیه ۱۲ سوره براءت معتقدند بیان «ائمه الکفر» آن هم پس از ضمیر «هم» در عبارت‌های گذشته، حاکی از نوعی شاخص‌سازی است و رهبری با این مسأله که نظر مفسران می‌باشد، مخالفت می‌کند. امام کفر یعنی ایدئولوگ، تئوریسن، زمام‌دار و هادی کفر. آیه نمی‌خواهد بگوید با هر کافری که نقض عهد کرد بجنگید، بلکه مطلب اجتماعی بسیار مهم و دقیقی را بیان می‌کند؛ حکمی در مقیاس جهانی، در واقع امام کفر است که نقض عهد می‌نماید، نه آحاد مردم (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۷). آیه می‌خواهد بگوید اگر نقض عهد کردند، با ائمه آن‌ها بجنگید؛ چون آن‌ها غده‌های چرکین اجتماع‌اند که مانع مسلمان شدن مردم می‌شوند؛ وی در این زمینه می‌گوید: «یکی از مستشرقان مسیحی می‌گوید: «جنگ اسلام در واقع، جنگ با حکومت‌ها و زمام‌داران و روسای زمان بود، نه جنگ با ملت‌ها» چه کسی با عیب‌جویی خود، از پذیرش اسلام مانع می‌شود؟ آیا توده مردم مانع‌اند؟ خیر، بلکه کسانی که بر زوایای اجتماعی و مردم سلطه و قدرت دارند، مانع می‌باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۲۷).

۳-۳-۳. عینیت و ذهنیت

ذهنیت در مقابل عینیت، دو اصطلاح معناشناسی‌اند که با آن‌ها چگونگی مفهوم‌سازی صحنه‌ای را که خود گوینده در آن حضور دارد، نشان می‌دهد؛ ذهنیت و عینیت در ذیل این آیات، قابل مطالعه است. آنجاکه قرآن علاوه بر صدور جهاد با یادآوری پرونده سیاه کفار و مشرکان، زمینه روانی برای مبارزه فراهم می‌کند «أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَنَهُمْ وَ هُمُؤَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَءُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، با استفاده از استفهام به‌کار رفته، ترس که امر درونی بود، به امری کاملاً برجسته و عینی تبدیل شده است.

کسی که با منطق دین آشنا باشد، می‌فهمد که توحید با ترسیدن نمی‌سازد و موحد از قدرت‌های غیرخدایی نمی‌هراسد. اسلام هیچ قدرتی را در عالم، موجب ترس نمی‌داند. بنابراین ترسی که از غیرخدا در وجود اهل ایمان هست، از ضعف توحید ناشی می‌شود. با وجود توحید، نباید ترسی در درون موحد باشد. زمینه‌سازی نوعی از توحید روان‌شناختی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

۳-۴. ترکیب / گشتالت

یکی از فعالیت‌های رایج تعبیری گشتالت یا قالب‌گیری ساختاری است. این تکنیک از نوعی کل‌گرایی ناشی می‌شود که منجر به صورت‌بندی و چارچوب‌بندی معنا می‌گردد. این روش خود به سه تکنیک جزئی‌تر: قالب‌گیری ساختاری، پویاشناسی نیرو و ربطیت تقسیم می‌شود که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۴-۱. قالب‌گیری ساختاری

این تکنیک خود به اقسامی کوچک‌تر همچون فردیت‌بخشی، قالب‌گیری جایگاه شناختی و درجه‌بندی تقسیم می‌شود که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

- **درجه‌بندی:** درجه‌بندی نوعی از قالب‌گیری ساختاری است که در آن ساختار معنایی ترسیم می‌شود که امکان مقایسه تشکیکی مقولات مختلف را فراهم می‌کند. برای مثال آیت‌الله خامنه‌ای در ذیل آیه ۱۳ سوره بقره^۱ با مقایسه میان «ضرر اجتماعی کفار به مسلمین» و «کفر»، به مقایسه تشکیکی این دو پرداخته و مقوله نخست را سنگین‌تر از دومی می‌داند. از این رو ملاک موضع‌گیری مسلمانان علیه کفار، نحوه تعامل کفار با مسلمانان است، نه کفر آنان. وی در این زمینه می‌گوید:

می‌بینم در این سه جرم، نحوه رفتار کفار با مسلمانان، یادآوری شده و این بدان جهت است که در نزد خداوند جرائمی مانند آسیب رساندن به مال و جان مسلمانان از جرم بزرگ‌تر است ... براساس این ضابطه، از نظر اسلام، ملاک موضع‌گیری‌های مسلمانان علیه کفار، نحوه تعامل کفار با مسلمانان و تجاوز کفار می‌باشد، نه کفر آنان؛ خداوند با یادآوری این جرائم کفار، از مسلمانان می‌پرسد: آیا از آن‌ها می‌ترسید، درحالی‌که خداوند سزاوارتر است که از او بترسید. اگر در ایمان خود راست می‌گوئید (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۳۶).

- **قالب‌گیری جایگاه‌شناختی / هندسی:** گاهی ما اشیاء را به‌عنوان حاوی (ظرف) یا سطح تعبیر می‌کنیم و این کار معمولاً توسط تصویرسازی‌ها صورت می‌گیرد و حاکی از نوعی قالب‌گیری در درون یا مبتنی بر یک ساختار است و نوعی از شکل و زمینه را نیز به‌وجود می‌آورد. در تعبیر آیه ۱۶ سوره مبارکه بقره آیت‌الله خامنه‌ای از قالب‌گیری با عنوان «تکیه‌گاه» استفاده می‌کند. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ ولیجه به معنی تکیه‌گاه، نوعی از پیوند حمایتی و پشتیبانی دین از مؤمنان را نشان می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۵).

۳-۴-۲. نیروپویایی

نوعی از تعابیر ساخت‌گرایانه و سازنده معنا، «مدل پویایی نیرو» است. نخستین بار تألمی این مدل را از راه تعمیم مفهوم علیت و تطبیق آن بر تعابیر زبانی به‌دست آورد. در این مدل فرایندها به‌گونه‌ای مفهوم‌سازی می‌شوند که نیروهایی دربردارند و آن نیروها به شیوه‌های متفاوت بر روی افراد یا اشیایی که در حادثه حضور دارند، عمل می‌کنند. به‌نظر کرافت، ساختار نیرو پویایی حوادث به‌طور عمده نحوه کدگذاری فاعل و مفعول را تبیین می‌نماید. همچنین گزینش افعال گوناگون مفهوم‌سازی‌های متفاوتی از ساختار پویایی نیرو حوادث را بیان می‌کند (قائم‌نیا، ۱۴۰۰: ۳۳۸-۳۳۸).

۳۸۹). آیت‌الله خامنه‌ای در مباحث خود به‌صورت وافر از این عامل برای مفهوم‌سازی قرآنی بهره گرفته‌اند که در ذیل به برخی از موارد کاربرد آن اشاره شده است:

در ذیل آیه ۱۴ سوره توبه، «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ»؛ در اینجا با ایدیکم موقعیتی را نشان می‌دهد که در آن دستان و توان مؤمنان ساختار پویایی و نیرو را رقم می‌زند. با توجه به کاربرد فعل متعدی در توصیف آن، نقش عامل بیرونی در این عذاب برجسته‌تر شده است. از سوی دیگر حکمت بیان این فراز، زودن فکری غلط و خرافی از ذهن همه مردم می‌باشد و آن فکر غلط این است که خدا باید همه کارها را خودش درست کند، به معنای سلب مسئولیت از خود و شانه خالی کردن از زیربار تلاش و فعالیت، این خطایی آشکار است که گاه در قالب اندیشه «جبر» و گاه در قالب اندیشه «انتظار فرج» رخ نموده است و عامل سکون و جمود جامعه اسلامی شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

از سوی دیگر «ترس» نوعی مانع از اعمال نیروهای مؤمنان محسوب می‌شود. براساس نظر آیت‌الله خامنه‌ای، ترس دشمنی درونی است که انسان را از درون می‌خورد و او را پوچ و پوسیده می‌سازد. در حقیقت ترس عامل دشمن است که درون جنگجو رخنه کرده است. این مسأله در ذیل آیه ۱۳ سوره توبه مطرح شده است: «أَتَخَشُّونَهُمْ فَاَللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخَشُّوهُ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ»، کاربرد فعل استفهامی سبب شده است که نقش عامل درونی در این مسأله پُررنگ‌تر دیده شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۳۶).

۴. سنجش و نتیجه‌گیری

از بررسی دقیق عوامل مختلف و متنوع در روش‌شناسی تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان این نتیجه را گرفت که اساس مفهوم‌سازی‌های وی در آثار بررسی‌شده اغلب مبتنی بر حرکت و پویایی و طی راه و مسیر است و از این رو می‌توان روش معظم‌له را «پیشرفت‌گرا» دانست که عناصر مختلف آن در ابتدا گزینش شده و سپس با توسعه قلمرو مفاهیم اسلامی سعی می‌کند برخی مفاهیمی را که از ذهن دورتر می‌نمودند، در قلمرو جست‌وجو و دسترس‌پذیرتر کند. این مسأله خود را در تعدیل سنجه‌ای، کمی و کیفی کردن مفاهیم متعالی و معنوی نشان می‌دهد و منجر به حرکت خیالی مخاطب در استعاره‌های راه و حرکت می‌شود.

اهم وجوه روش‌مندی وی در مفهوم‌سازی قرآنی را می‌توان در تکنیک «داوری و مقایسه» در آثار وی جست‌وجو کرد، آنجا که با استفاده از مقوله‌بندی، اصل توحید را به زندگی می‌کشاند و در مقابل «طاغوت» صف‌بندی می‌کند و یا اینکه با استفاده از استعاره‌های بسیار مختلف توانسته است. طی

مسیر، وظیفه‌گرایی، مسئولیت اجتماعی و مؤمنانه و همچنین راه، پیشرفت و قله بودن را از کتاب الهی استخراج کند و مؤمن واقعی و راستین را از ظاهر سازها و سازش کارها متفاوت صورت‌بندی نماید. از سوی دیگر با استفاده از موضع مسلط در دیدگاه، جهت‌یابی عمودی به پیشرفت این دنیایی اسلام داده شده است و با استفاده از موقعیت‌مندی‌های مکانی زمانی و عینیت‌سازی پیشرفت و رشد در دستگاه الهی از نوعی چشم‌انداز ممتاز در مطالعات قرآنی بهره‌گیرد، به‌صورتی که مخاطب تصور می‌کند یک استراتژیست در حال مفهوم‌سازی است و مسیر رشد یک ملت را از دل قرآن استخراج می‌نماید. در پایان نیز از طریق قالب‌گیری‌های ساختاری متنوع، درجه‌بندی و رتبه‌بندی ایمان و توحید در زندگی بشر، از عوامل و نیروهای محرک و پویایی در این مسیر سخن گفته است که خود می‌تواند هم‌سازی و ربط میان بسیاری از عوامل را با خود به‌همراه آورد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- همچنین آیه ۸ و ۹ سوره ممتحنه: **يُنْهَىٰ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸)** **أَنَّمَا يَنْهَىٰ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَ مَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.**

منابع

فارسی

۱. قرآن کریم
۲. توکل‌نیا، مریم و حسومی، ولی‌الله (۱۳۹۵)، بررسی طرح‌واره‌های تصویری حرف فی در قرآن با تکیه بر نظریه جانسون در معناشناسی شناختی، تفسیر پژوهی، (۵): ۴۶ - ۷۹.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹)، بیان قرآن (تفسیر سوره برائت)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶)، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات صهباء.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۹۸/۱۱/۱۶)، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۱/۲)، بیانات در حرم مطهر رضوی علیه‌السلام.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۸/۲۰)، بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵/۷/۲۱)، خطبه‌های نماز جمعه تهران.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷/۷/۲۶)، بیانات در مراسم صبحگاه لشکر نیروی مخصوص سیدالشهدا علیه‌السلام.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۴/۲۹)، بیانات در سالروز عید سعید مبعث.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۷/۲۹)، خطبه‌های نماز جمعه تهران.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۳/۳)، بیانات در مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه‌السلام.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۵/۳۱)، بیانات در دیدار جمعی از ائمه‌جماعات مساجد استان تهران.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۲/۵/۷)، بیانات در جمع مدیران و مسئولان استان آذربایجان شرقی.
۱۶. سعیدی‌روشن، محمدباقر (۱۳۹۶)، جستاری در معناشناسی شناختی و کارایی آن در خوانش قرآن کریم، مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی، (۱): ۶۳-۹۷.
۱۷. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۶) استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۴۰۰) موافقت معنایی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۹. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰)، معناشناسی شناختی قرآن کریم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. کرد زعفرانلو، عالیه و ابراهیم پورنیک، فائقه (۱۳۹۸)، بررسی طرح‌واره‌های تصویری جانسون در آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در چارچوب معناشناسی شناختی، ذهن، (۷۹): ۱۱۹-۱۵۲.

منابع انگلیسی

1. Ungerer, F. & Schmid, H. (1996), An introduction to cognitive linguistics, Routledge.
2. Evans, Vyvyan & Green, Melanie (2006), Cognitive Linguistics, Routledge.
3. Croft, William & Cruse, D. Alan (2004), Cognitive linguistics, Cambridge

4. Lakoff, George and Johnson, Mark (1980), *Metaphors we Live By*, University of Chicago Press.
5. Grady,(2007), “Metaphor” in *The Oxford handbook of cognitive linguistics*, ed. by Geeraerts & Cuyckens, NewYork: Oxford university press